

مصادیق تاریخی بیداری و مقاومت ملت یمن: از صدر اسلام تا عصر حاضر

محمد جواد نجفی (نویسنده مسئول)^۱

بهزاد قاسمی^۲

چکیده

شناخت و بررسی زمینه‌های تاریخی بیداری مردم یمن و ارائه مصادیق مقاومت ملت یمن علاوه بر اینکه از نظر پژوهشی بدیع و نو است، در اینجا به صورت مسئله اصلی مقاله مورد توجه قرار گرفته است. (مسئله) هدف پژوهش شناسایی مصادیق تاریخی بیداری و مقاومت ملت یمن در طول تاریخ سیاسی - اجتماعی است. در این راستا سؤال پژوهش به این صورت طرح شده؛ که مصادیق تاریخی بیداری و مقاومت یمن چه تأثیری بر تحولات کنونی یمن داشته است؟ (سؤال) روش تحقیق از جهت هدف بنیادی و از نوع کیفی و با روش توصیفی - تحلیل تاریخی انجام شده است. (روش) شیوه جمع آوری، فیش برداری از منابع کتابخانه‌ای است. (ابزار جمع آوری داده‌ها) یافته‌های مقاله حاکی از آن است که ملت یمن در حیات سیاسی خود تجربه مقاومت و بیداری را از صدر اسلام تاکنون داشته است. در این مقاله مصادیق تاریخی بیداری و مقاومت ملت یمن را بررسی کردیم. به صورت مختصر شامل: در صدر اسلام با پیشتازی در پذیرش اسلام، مشارکت در دفع فتنه علیه پیامبر، اعلام مخالفت با سقیفه بنی ساعده، حضور در گستره جغرافیایی جهان اسلام، قرابت شیعیان زیدیه با تشیع دوازده امامی، دفاع از امام حسن و امام حسین، حضور در قیام توابین، عدم پذیرش خلافت عباسی، قیام یحیی بن حسین و تشکیل دولت زیدی در سال ۲۸۸ ق، قیام صلیحیان اسماعیلی، در عصر حاضر قیام علیه علی عبدالله صالح و تشکیل دولت انصار الله یمن به رهبری سید عبدالملک الحوثی از اهم آن‌ها بوده است. (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: تاریخ یمن، ملت، بیداری، تشیع، هویت اسلامی، مقاومت.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

mohammadgavad71@gmail.com

 <https://orcid.org/0000-0002-7347-5037>

۲. استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران.

ghasemi.b1981@gmail.com

 <https://orcid.org/0000-0003-0086-2535>

مقدمه (بیان مسئله)

بیداری و مقاومت ملت یمن علی‌رغم ضعف اقتصادی و مشکلات سیاسی - اجتماعی، شناخت مصادیق تاریخی و نمونه‌هایی از بیداری و مقاومت ملت یمن به صورت یک مسئله پژوهشی اهمیت یافته است. تأثیرگذاری یمنی‌ها در جای‌جای تاریخ اسلام و تشیع دیده شده است. با پذیرش و گسترش اسلام در این کشور جایگاه خود را در پهنه اسلام پیدا کرده و در کنار دولت‌های زیدی دیگر نظیر دولت زیدی طبرستان و دولت زیدی ادرسیان در مغرب، نقش ایفا می‌کنند.

زیدیه در یمن برخلاف بیشتر مکاتب فکری و قیام‌های سیاسی که تاریخ مصرف دارند طی سال‌های ۲۸۲ تا ۱۳۸۲ ق - جز در حدود دو سده آن هم فقط در عرصه سیاسی - یکه تاز فرهنگ، سیاست، مذهب و تاریخ این کشور می‌گردد و اصالت خود را در برهه‌های مختلف تاریخی یمن حفظ می‌نماید. جریان زیدیه که برگرفته از تشیع است و یا شاید بتوان گفت که شاخه مسلحانه تشیع علوی در آن زمان بوده است، در یمن ریشه در علل و مصادیق تاریخی از جمله محبت و حمایت مردم یمن به تشیع علوی دارد تا جایی که مردم این خطه باینکه نسخه در ظاهر شکست خورده زیدیه در کوفه (قیام زید بن علی (۱۲۲ ق)) و مدینه (قیام نفس زکیه (۱۴۵ ق)) را شنیده بودند به مقاومت خود و تلاش برای تأسیس دولت ادامه دادند. در دوره معاصر نیز، حکومت زیدیان یمن تا کودتای ۱۳۸۲ ق عبدالرحمن الآریانی یا انقلاب ۱۹۶۲ م در قرن معاصر ادامه داشت که باید گفت بزرگ‌ترین سلسله حکومتی از جنس مذهبی در اسلام بوده که به ۳ مرحله یا برش اساسی تقسیم می‌گردد؛ اول، از تأسیس اولین دولت مستقل در یمن تا سلطه اسماعیلیان صلیحی که با کشته شدن امام ابوالفتح دیلمی ملقب به الناصر لدین الله در سال ۴۴۴ ق به دست اسماعیلیان و به دنبال آن انزوای نود ساله سیاسی زیدیه در یمن پدید می‌آید. مرحله دوم که با پیروزی صلیحیان اسماعیلی توسط امام احمد بن سلیمان با کنیه المتوکل علی الله آغاز و با غلبه امپراتوری عثمانی در اواخر سده دهم هجری بار دیگر انزوای سیاسی بر زیدیه در یمن تحمیل شد. در مرحله آخر که با ثمره قیام انقلابی امام قاسم بن محمد ملقب به المنصور بالله در سال ۱۵۹۸ م / ۱۰۰۶ ق آغاز و نهایتاً با کودتای نظامی تجدد طلبان یمنی در سال ۱۹۶۲ م / ۱۳۸۲ ق آخرین امام زیدی به نام امام بدر بن احمد دولت زیدی سقوط نمود (لین پول، ۱۳۶۳: ج ۱، ۱۸۸).

سؤال اصلی مقاله این است که؛ مصادیق تاریخی بیداری و مقاومت ملت یمن کدام‌اند؟ در

راستای پاسخ‌دهی به سؤال اصلی مقاله دو سؤال فرعی نیز به شکل زیر طرح شده است:

۱. مهم‌ترین قیام‌های ملت یمن کدام‌اند و چه تأثیری بر بیداری ملت داشته است؟

۲. باورهای کلامی و اعتقادی زیدیه چه نقشی در بیداری ملت یمن و بیداری اسلامی گذاشته است؟

اما آنچه در این پژوهش ضرورت دارد، در تولید ادبیات علمی در این زمینه هست که به دلیل خلأ پژوهشی در ارتباط با تاریخ یمن با بیداری اسلامی در طول قرون متوالی است. در یمن زیدیه فقط مذهب دینی نبوده بلکه به دلیل تقدس امام امت زیدی در رأس امور حکومتی و همانندی آن با نظام حکومت‌داری شیعی از نکات اهمیت این پژوهش است.

پیشینه پژوهش

براساس مطالعه و جستجوهای انجام‌شده درباره بیداری اسلامی یمن با توجه به زمینه و مصادیق تاریخی اثر مستقل نگارش نیافته است. بررسی‌های انجام‌شده، نشان می‌دهد؛ در ارتباط با موضوع، برخی مطالعات و تحقیقات انجام‌شده است: کتاب تاریخ، اصول و عقاید زیدیه که در این کتاب مبانی فقهی دینی، و اصول مبارزه با ظلم و استبداد را با رویکرد اندیشه و سیر تاریخی تحلیل کرده است. نتایج این کتاب نشان می‌دهد که زیدیه فعلی یا الحوثی‌های یمن براساس مبانی فکری و عقیدتی خود فعالیت و مقاومت می‌کنند (احمد الحاکمی، ۱۴۳۲: ۲-۳۸). کوشکی و نجابت، نیز در کتاب انصارا... در یمن از تأسیس تا تثبیت، بیشتر به تاریخ یمن، انصارا... و قانون اساسی قبلی اشاره داشته‌اند و سپس به طرح چگونگی به قدرت رسیدن انصارا... پرداختند (کوشکی و نجابت، ۱۳۹۵، ص ۲۳-۶۰). بیگی و باقری دانا، کتاب سیاست و حکومت در یمن که شاید جامع‌ترین کتاب به‌روز شده در حوزه انقلاب یمن باشد را تدوین نموده و در آن مهم‌ترین تحولات تاریخی یمن، احزاب، گروه‌ها، شخصیت‌ها، سازمان‌ها و جنبش‌های این کشور را بررسی کرده و سپس با تمرکز بر انصارا... سیاست خارجی کشورها در مقابل یمن را واکاوی نموده‌اند اما بررسی مفهومی در حوزه مؤلفه‌های نظام‌سازی سیاسی پس از انقلاب، در این کتاب بخش‌چندانی را به خویش اختصاص نداده است (بیگی و باقری دانا: ۱۳۹۸). حسن خضیری با عنوان دولت زیدیه در یمن (۲۸۰-۲۸۹ ه قمری) وجود دارد که همان‌طور که از عنوان مشخص است تنها به بازسازی فضای ظهور زیدیه در بدو تأسیس در یمن

پرداخته شده است (زینی وند و دیگران: ۱۳۹۵). بیداری اسلامی در «شعر معاصر یمن (مطالعه مورد پژوهش: شعر عبدالله بردونی)»، این مقاله به موضوع بیداری اسلامی از دریچه اشعار و شاعران نگرین شده است. به مسیر اصلاح و بیداری پرداخته و شعر عبدالله بردونی را زمزمه ندای آزادی و مبارزه با استبداد و استعمار قرار داده است.

بررسی مصادیق تاریخی بیداری و مقاومت ملت یمن

در هنگام بعثت نبوی، یمن در آتش اختلافات و کشمکش های قبیله ای و عشیره ای می سوخت (منتظرالقائم، ۱۳۸۰: ۶۵). جامعه یمن عموماً از نظام قبیله ای برخوردار بوده است و مردم تابع شیوخ و رهبران خود بودند. در هیئت های نمایندگی که به مدینه می آمدند رهبران و شیوخ پیش قراول بودند. هنگامی که اسلام می آوردند اعضای قبیله و خویشاوندانشان از آنان پیروی می کردند. با توجه به وضعیت یمن پیش از اسلام، ظهور اسلام و گسترش آن به یمن تأثیر شگرفی در بیداری ملت یمن داشته و آثار آن تا دوره های بعدی نیز ماندگار شده است که با بررسی دقیق برخی مصادیق تاریخی آن در اینجا اشاره شده است.

- اشعریان یمن و توسعه اسلام (مدینه، یمن، قم): در سال هفتم هجری، گروهی از اشعریان که از قبایل قحطانی یمن بودند - که در دوره جاهلیت از حرمت و جایگاه ویژه ای نزد قبایل عرب برخوردار بودند - به سرپرستی ابوموسی اشعری به مدینه هجرت کردند و اسلام آوردند. رسول اکرم (ص) اسلام ایشان را به شایستگی پذیرفت و در حق ایشان، دعا کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق: ج ۴، ۲۶۵-۲۶۴). آوای اسلام پیش از هجرت به یمن راه یافت، ولی اسلام در سال های پس از فتح مکه در بین بیشتر قبایل یمنی رسوخ کرد (منتظرالقائم، ۱۳۸۰: ۶۵). در دوره فتوحات، یمنیان و به خصوص اشعریان یمن از ارکان سپاه اسلام به شمار می آمدند. فتح بخش های وسیعی از ایران به همت ایشان و سردارشان ابوموسی اشعری میسر گردید که بعدها به مناطق مختلف ایران چون قم کوچ کردند که ثمره آن، تأسیس مکتب فقهی قم بود که فقیهان و محدثان نام آوری را تقدیم مکتب عالم تشیع کرد (خضری، ۱۳۹۳: ۱۷۹).

- سرعت پذیرش اسلام از سوی ملت یمن: یمن به مدت شصت و پنج سال به وسیله کارگزاران ایرانی اداره می شد، ولی در اواخر از نفوذ آنان کاسته شده بود و اقتدار آنان محدود به شهرهای صنعا، عدن و اطراف این دو شهر می گشت. سرانجام به اذن آخرین حکمران ایرانی

یمن به محض دریافت نامه رسول الله (ص) به سال هشتم هجری اسلام آورد و به پیروی وی ابناء ایرانی اسلام آوردند (طبری، ۱۴۰۳ ق: ج ۱، ۲۹۷). قبایل یمنی کمتر از دو سال تسلیم قدرت رسول الله (ص) شدند، رفتار رسول الله (ص) با قبایل یمنی همواره با روش جذب و مدارا و ملاحظت و مهربانی همراه و توأم بود و در مدینه منوره از هیئت‌های نمایندگی قبایل یمنی به گرمی استقبال می‌شد (ابن هشام، ۱۳۷۵ ق: ۶۹). کارگزاران یمن در زمان حضرت محمد (ص) عبارت بودند از: أبان بن سعید بن عاص که بر صنعا حکومت می‌کرد، معاذ بن جبل که سپاه را فرماندهی می‌نمود و زیاد بن لیب که بر حضرموت حکمرانی می‌نمود (واسعی یمانی، ۱۳۴۶ ق: ۱۲).

- دفع فتنه علیه پیامبر توسط ملت یمن: پیامبر (ص) هنوز حجه الوداع را به پایان نرسانده بود که حرکت ارتداد در یمن نمایان شد. فرماندهی این حرکت را فریبکاری به نام عَبْهَلَه بن کَعْب عَنَسِي (معروف به اَسْوَد عَنَسِي) عهده‌دار بود. او مردم قبیله‌اش را با سحر و جادو به خود جلب کرد و آنان نیز از او پیروی کردند، حرکت رده به یمامه کشیده شد و مردی از بنی حنقیه به نام مسلیمه بن ثمامه در آن جا سر برآورده و نامه‌ای به پیامبر (ص) نوشت و از پیامبر خواست تا او را در امر رسالت شریک کند. پیامبر (ص) فرستادگانش را بازگرداند و او را مسلیمه کذاب نامید. خطر اَسْوَد عَنَسِي در سال یازدهم هجری بالا گرفت. پیامبر (ص) از مسلمانان یمن خواست تا او را به قتل برسانند، آنان نیز او را ترور کردند. پس از قتل او جنبش رده در یمن ریشه‌کن شد (ترمانینی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۴۳). پس از ادعای نبوت از سوی اَسْوَد عَنَسِي در یمن رسول اکرم (ص) از نیروهای یمنی قبیله مُراد و هَمْدان و ابنای ایرانی برای مبارزه و دفع فتنه وی استفاده نمودند (طبری، ۱۴۰۳ ق: ج ۲، ۴۶۴).

- شرکت در جنگ و دفاع (سابقه مقاومت اسلامی): تعداد بسیاری از قبایل یمنی، در دوران خلیفه اول و دوم در فتوحات سرزمین شام و ایران شرکت کردند. آنان سپس به شامات، بصره، کوفه و خراسان مهاجرت کردند و ساکن این مناطق شدند. به وضوح روشن است که اینان اگر مسلمان نبودند نه خود در این فتوحات شرکت می‌کردند و نه اجازه چنین کاری به آنان داده می‌شد (منتظر القائم، ۱۳۸۰: ۱۱۲). مردم یمن پس از ظهور اسلام به زودی اسلام را پذیرفتند و در طول دو قرن اول و دوم از طرف خلفا اداره می‌شد (مظفر، ۱۳۹۱: ۱۹۵).

در زمان خلافت امام علی (ع) عبید الله بن عباس از جانب ایشان حاکم صنعا گردیده

بود که معاویه بن ابوسفیان، بسر بن ارطاه را برای کشتن شیعیان و طرفداران حضرت علی (ع) به اطراف یمن فرستاده بود. لذا عبیدالله بن عباس، عمرو بن ثقفی را جایگزین خود ساخت و بدون همراهی با خانواده‌اش، سریعاً خود را به حضرت علی (ع) رسانید تا خبر جنایات بسر را به حضرت داده و سپس همراه با لشکر ایشان به مقابله با لشکر معاویه پردازد، اما در همین اثناء بُسر بن اَرتاه خود را به صنعا رسانید و همه شیعیان از جمله دو فرزند عبیدالله بن عباس به نام های عبدالرحمن و قثم را به طرز فجیعی به شهادت رسانید و در همان جا دفن نمود که بعدها در آن مکان مسجد و بارگاهی به نام شهیدین ساخته شد که هم‌اکنون در صنعا موجود هست (واسعی یمانی، ۱۳۴۶ ق: ۱۳).

- گرایش به تشیع و حمایت از آن در میان مردم یمن: حضور حضرت علی در سال دهم هجری میان قبایل یمنی همدان و مَذْحَج برای تبلیغ دین اسلام و آموزش قرآن و احکام به آنان، نقش مؤثری در توجه یمنیان به آن حضرت ایفا نمود. (طبری، ۱۴۰۳ ق: ج ۲، ۳۸۹). موفقیت اهل یمن در تمسک به اسلام به دست امام علی (ع) یکی از عوامل ولاء و دوستی آن‌ها نسبت به آن حضرت و علوی مذهب بودن آنان به شمار می‌رود (مظفر، ۱۳۹۱: ۲۰۲). حضور برخی نمایندگان قبایل یمنی در حجه‌الوداع و مراسم غدیر خم، از دیگر عواملی است که در گرایش یمنیان به تشیع نقش داشته است (طبری، ۱۴۰۳ ق: ج ۲، ۳۸۹).

- اعلام مخالفت با جریان سقیفه: درباره مخالفت مردم یمن در سقیفه گفتنی است که، گروهی از مردم قبایل کَنَدَه و بنی تمیم رهبری خلیفه اول را به رسمیت نمی‌شناختند و خواهان حکومت امام علی (ع) بودند (واقعی، ۱۳۶۴: ۱۷۲). همچنین گروهی از طی، بنی آسد و مردمی از کَندَه می‌گفتند: «ابوبکر به هیچ وجه توانایی اداره مسلمانان را ندارد» (ابن اعثم، ۱۴۰۶: ج ۱، ۵۱). اهل یمن پس از رسول خدا (ص) از بیعت با ابی بکر امتناع ورزیدند و فقط پذیرای بیعت با امام علی (ع) بودند، لکن جنگ مخالفین آنان را واداشت که برای بیعت با ابی بکر تسلیم گردند (مظفر، ۱۳۹۱: ۲۰۷).

- دفاع از حق ولایت حضرت علی (ع): یمنی‌ها به علت آن‌که در روزگار عثمان شاهد بی‌عدالتی و تبعید و ضرب و شتم بودند به بیعت و حکومت امام علی (ع) تمایل بیشتری داشتند (منتظرالقائم، ۱۳۸۰: ۱۸۷). در حمایت و پشتیبانی از قیام علیه عثمان، قبایل یمنی نَخَع، همدان، اَزْد، جَعْفی، عَنَس، مُرَاد، خُزَاعَه حضور داشتند (بلاذری، ۱۳۹۷ ق: ج ۴، ۵۳۷). به

خلافت رسیدن امام علی (ع) نیاز به طیف گسترده‌ای از کارگزاران را ایجاد کرد. از میان پنج‌جاه و پنج کارگزار آن حضرت، سی نفر یمنی بودند که از این تعداد، دوازده نفر از انصار و هجده نفر از ساکنان یمن بوده‌اند (منتظرالقائم، ۱۳۸۰: ۱۹۶). که از قبایل مختلف یمن چون: کنده، نَخَع، ازد، جهمیه، حَمیر، بجیله، حَثَم، خزاعه، حضرموت، مَدْحِج، اشعر، طی، سدوس، حمدان و ربیع بوده است (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷ ق: ۴). که این نشان از محبوبیت و همراهی قاطبه یمنیان با حضرت دارد چنانچه بنا بر نقل مسعودی در مروج الذهب، در صفین از قبایل بزرگ ربیعه و حمدان، یک نفر هم در لشکر معاویه نبوده است (مسعودی، ۱۴۱۱ ق: ج ۳، ۹۹). عده‌ای از زنان قبیله هَمْدان نظیر سوده حمدانیه و زرقاء حمدانیه نیز در صفین با سروده‌ها و رجزهای خود، یاران و لشکریان حضرت علی (ع) را بر ضد معاویه تحریک می‌نمودند و پشتیبانی می‌نمودند (بلاذری، ۱۳۹۷ ق: ج ۲، ۳۲۳). از این رو معاویه دل پر خونی از آن‌ها داشت و بعد از شهادت حضرت علی (ع) آن‌ها را به شام فراخواند و در مورد اشعارشان توضیح خواست و آنان را سرزنش کرد (همان: ۳۳۵).

در جنگ جمل از سی و پنج فرمانده و در صفین از سی و یک فرمانده سپاه حضرت علی سیزده نفر یمنی بودند (منتظرالقائم، ۱۳۸۰: ۳۰۱). مردم (قبیله) هَمْدان و همیاری آن‌ها با امام علی (ع) در روز صفین فراموش شدنی نیست (مظفر، ۱۳۹۱: ۲۰۲). در جنگ صفین جناح راست لشکر امام علی (ع) را یمنی‌ها پر می‌کردند (منتظرالقائم، ۱۳۸۰: ۳۰۱). ارادت و محبت به امام علی (ع) و اعتراف به ولایت الهی وی از سوی زنان قبایل هَمْدان و مَدْحِج که در صفین حضور داشتند و با شجاعت و دلاوری رجز می‌خواندند و مردان خود را به پیکار تشویق می‌کردند (ابن اعثم، ۱۴۰۶: ج ۲، ۸۴). در هنگام پذیرش اجباری حکمیت در صفین، یمنی‌ها خواهان ادامه نبرد و اطاعت بی چون و چرا از امام علی (ع) بودند (منتظرالقائم، ۱۳۸۰: ۲۳۳).

-**حمایت از امام حسن (ع):** خلافت امام حسن (ع) در همان ابتدا از سوی مردم یمن تأیید شد و زنگ خطر را برای معاویه به صدا درآورد (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۶۷: ۱۶۱). عدی بن حاتم از اشراف و بزرگان شیعه یمنی اولین کسی بود که خود و هزاران مرد قبیله طی را برای مقابله با معاویه در لشکر امام حسن (ع) بسیج کرد و تا پای جان همراه با قبیله‌اش در حمایت از حسن بن علی (ع) ماند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۶۷: ۷۰). همچنین امام حسن (ع) در زمان صلح با معاویه برای در امان ماندن مردم یمن - از حملات او و تسویه حساب سیاسی - از معاویه تعهد

گرفتند که این مؤید وفاداری مردم این خطه به اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) را می‌رساند (ابن اعثم، ۱۴۰۶: ج ۴، ۱۶۰).

- حمایت از قیام امام حسین (ع): شرکت یمنی‌ها در کنار امام حسین (ع) و شهادت آنان در راه وی براساس آگاهی درست و شناخت عمیق و علاقه معنوی و خودجوش نسبت به امام حسین (ع) و هدف وی بود که گفتند: «به خدا از تو جدا نمی‌شویم تا جان و مال و خاندان خود را فدایت کنیم و همراه تو می‌جنگیم تا شریک فرجام تو شویم، خدا زندگی پس از تو را زشت گرداند» (طبری، ۱۳۶۲: ۳۱۷). نقش پررنگ یمنیان حتی در حادثه عاشورای سال ۶۱ ق ادامه پیدا کرد و از هفتاد و دو شهید کربلا، سی و چهار نفر یمنی بودند (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۲۸). تشیع به یاری یمنی‌ها در شهرهای تبّاله، جیشان، صنعا، مأرب و سرزمین همدان و مَذْحِج گسترش پیدا کرد. و شیعیان یمنی در بسیاری از مناطق یمن ساکن بودند، به همین جهت، ابن عباس در مکه به امام حسین علیه السلام گفت: «اگر قصد رفتن داری به سوی یمن برو که در آنجا قلعه‌ها و درّه‌ها و سرزمین پهناوری است که شیعیان پدرت آنجا هستند» (منتظر القائم، ۱۳۸۰: ۳۲۸، مظفر، ۱۳۹۱: ۲۱۲-۲۱۱).

حضور در قیام توابین و قیام مختار: عناصر اساسی جنبش توابین را شیعیان کوفه که بیشتر یمنی بودند تشکیل می‌دادند. (منتظر القائم، ۱۳۸۰: ۳۱۱) در فهرست نام استانداران و سازمان نظامی و قضایی وی (مختار) از یازده نفر، شش نفر یمنی، چهار نفر نزاری و یک نفر موالی بودند (مسعودی، ۱۳۷۴: ۹۷). به دنبال فتوحات اسلامی، یمنی‌ها به عراق و شام مهاجرت کردند، ولی به علت عصبیت قریشی‌ها و نزاری‌ها در شام موقعیت چندان مهمی به دست نیاوردند، اما در عراق به مقامات مهم نظامی و سیاسی دست یافتند. با تأسیس کوفه بیشترین ساکنان آن را یمنی‌ها تشکیل می‌دادند (منتظر القائم، ۱۳۸۰: ۳۲۸). بدون شک این گونه سوابق، زمینه مناسبی برای گسترش اعتقادات شیعی و حیات سیاسی تشیع در دوره‌های بعد در سرزمین پهناور یمن ایجاد نمود، همچنان که زیدیان یمن نیز پای خود را بر پایه همین زمینه‌ها استوار ساختند.

- عدم مشروعیت بخشی به خلافت عباسی: در طول خلافت عباسی (۶۵۶-۱۳۲ ق) افراد مختلفی از جانب حکومت مرکزی به اداره یمن مأمور می‌شدند (عدنان تریس، ۱۳۶۰: ۹۴). به طور مثال: ابوالعباس عبدالله السفاح (پایه‌گذار حکومت عباسی) عموی خود داود بن علی را بعد از برکناری از کوفه، حاکم حجاز و یمن (۱۳۴ ق) نمود (طوقوش، ۱۳۸۳: ۳۳). یمن

تابع خلافت عباسی بود تا آنکه بعضی از والیان یمن مخالفت خود را با مرکز خلافت آشکار کردند و دم از استقلال زدند و این سبب شد که کشور اسلامی تجزیه گردیده به کشورهای کوچکی تبدیل گردد (عدنان تریس، ۱۳۶۰: ۹۴). با شروع درگیری میان مأمون و امین که بر سر جانشینی پدرشان هارون الرشید با هم اختلاف داشتند، اختلافات و شکاف سیاسی عباسیان شروع شد و عملاً اقتدار سیاسی آنان را خدشه دار و در سراسرایی سقوط قرارداد (طبری، ۱۳۴۷: ۳۶۶). در دوران حکومت مأمون (۱۹۸-۲۲۰ ق)، کوفه مرکز انقلاب زیدی‌ها بود و محمد بن ابراهیم طباطبامبلغانی به اطراف می‌فرستاد، از جمله ابراهیم بن موسی را روانه یمن کرد. او در یمن مدتی حکومت کرد تا آنکه ابن طباطبا از دنیا رفت. هر روز شوکت زیدیه بیشتر شکوفا می‌شد تا آنجا که حکومت آن‌ها خطری بزرگ برای حکومت مأمون به شمار می‌آمد، لذا مأمون ناچار شد لشکری برای تصرف یمن بفرستد. در این جنگ ابراهیم فرار کرد و مأمون دوباره بر یمن تسلط یافت (شامی، ۱۳۶۷، ۲۲۸). در این دوران با تبلیغ زیدیان و طرح مفاهیمی چون جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، تعداد زیادی از مسلمانان که از ظلم و جور حاکمان خود به تنگ آمده بودند، جذب دیدگاه این گروه شدند. شورش‌های یمنیان که از دوران منصور شروع شده بود، باعث شد عباسیان برای کنترل اوضاع، والیان خود در این مناطق را برکنار و افراد جدیدی را به روی کار آوردند (یعقوبی، ۱۹۶۰: ج ۲، ۳۸۱). یمن همچنان در دست بنی‌عباس بود تا آنکه در سال ۲۷۰ ق قرامطه بر یمن تسلط یافتند و در اثر فتنه آن‌ها مردم یمن به چند دسته تقسیم شدند. از متون تاریخی چنین استنباط می‌شود که آشفتگی اوضاع سیاسی و اقتصادی یمن که در اثر تعویض مکرر حکام و عدم استقرار امنیت بود، سبب گردید مردم به سادات علوی و زیدیان پناه آورند (شامی، ۱۳۶۷: ۲۷-۲۶، چلونگر و شاهمرادی، ۱۳۹۵: ۲۹۷). مهدی عباسی میان مکه، مدینه و یمن دستگاه برید را درست کرد (طقوش، ۱۳۸۳: ۷۴). به دنبال این جریان‌ها و آشوب‌ها و حوادث در یمن شروع شد تا آنجا که بعضی از قبایل با بعضی دیگر به جنگ پرداختند و مردم مجبور شدند که برای تأمین امنیت و عدالت از یحیی بن حسین یکی از امامان زیدی (سال ۲۷۲) - که آوازه عدالت‌خواهی وی پیچیده شده بود - دعوت نمایند که به یمن آمده حکومت علوی را پی‌ریزی کند (شامی، ۱۳۶۷: ۲۲۹).

- قیام به رهبری یحیی بن حسین و تشکیل دولت زیدی (۲۸۸ ق): ورود زیدیه به یمن به سال‌های پایانی قرن دوم بازمی‌گردد. هنگامی که محمد بن ابراهیم معروف به ابن طباطبا در

سال ۱۹۹ هجری دعوت خود را علنی ساخت، برادرش قاسم بن ابراهیم، معروف به قاسم رسی را به مصر و ابراهیم بن موسی را به یمن گسیل داشت. ابراهیم بن موسی به دعوت زیدیه در یمن پرداخته و تعدادی از قبایل را به سوی خود جذب کرد، ولی در جنگ با محمد بن عیسی بن ماهان، فرمانده سپاه عباسی در سال ۲۰۱ ه شکست خورد و به بغداد کوچید، ولی روابط خود را با قبایل یمنی حفظ کرد (ترمانینی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۴۵۰). بعد از ابراهیم بن موسی تا ورود الهادی الی الحق در سال ۲۸۰ ه به یمن از زیدیان خبری نیست (فرمانیان و موسوی نژاد، ۱۳۸۶: ۸۱). در سال ۲۸۸ قمری، یحیی بن حسین ملقب به الهادی الی الحق در حجاز قیام کرد و زیدیان دور او گرد آمدند. وی در همین سال با همکاری قبایل یمنی وارد صنعا شد. در جایگاه امام زیدی به نامش خطبه خواندند. اگرچه او درگیری‌هایی با قبایل یمن داشت اما در نهایت زمام امور آنجا را به دست گرفت (محرمی، ۱۳۹۶: ۱۵۰). یحیی بن حسین سرانجام در سال ۲۹۸ هجری قمری در اثر مسمومیت از دنیا رفت. از وی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های زیدی یاد شده و از لحاظ علم و دانش نیز جایگاه ممتازی داشته است، از این رو مذهب زیدی در یمن به نام وی معروف شده و هادویه خوانده می‌شود (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۷: ۱۴۴). پس از وفات هادی یحیی بن حسین در سال ۲۹۸ حکومت را پسرش ابوالقاسم محمد مرتضی که همراه پدرش به یمن آمده بود به عهده گرفت، اما حکومت وی چندان طولی نکشید و معزول گردید و به سال ۳۰۳ وفات کرد (ابن عنبه، ۱۳۴۰: ۱۶۶). بعد از او برادرش امام احمد ملقب به ناصر لدین الله به حکومت نشست. وی به سال ۲۹۳ امامت زیدیه را به عهده گرفت، او همراه پدرش یحیی در جنگ با قرامطه شرکت داشت و شجاعت وی در آن جهاد بر همگان روشن بود (فرمانیان، ۱۳۸۷: ۹۵). پس از وفات ناصر احمد بن یحیی، زیدیه در یمن دچار تفرقه و نزاع‌های داخلی و درگیری‌های شدید با اسماعیلیه شدند. در این مدت و تا اواخر قرن چهارم نوادگان هادی به صورت پراکنده و بدون آنکه به مقام بالای امامت دست یابند، در آن سرزمین باقی مانده، حکومت کردند (همان: ۹۸). در اواخر قرن چهارم یکی از نوادگان قاسم رسی به نام قاسم بن علی عیانی پس از مهاجرت از حجاز به یمن، به عنوان امامی مسلم مطرح شد و روح تازه‌ای در کالبد زیدیه یمن دمید (همان: ۹۷). با این همه، روزگار المنصور نیز چندان نپایید و پس از درگذشت وی در سال ۳۹۳ ق (شرف‌الدین، ۱۳۸۷: ج ۴، ۲۳۱)، فرزندش حسین ملقب به مهدی لدین الله جانشین او شد و به مقام امامت زیدیه نائل گشت؛ ولی به زودی به شخصیتی

جنگالی در تاریخ زیدیه یمن تبدیل شد و پیروانی خاص پیدا کرد که به نام حسینیّه مشهور شدند. پس از امامت حسین بن قاسم عیانی برای بار دیگر درگیری‌های داخلی و خارجی بر زیدیه در یمن اردوزد و با کشته شدن امام آنان، ناصر لدین الله ابو الفتح دیلمی در سال ۴۴۴ هجری به دست اسماعیلیان، زیدیه به مدت یک قرن دوران فترت و افول را تجربه کردند و اسماعیلیان بر قلمرو آنان تسلط یافتند (فرمانیان، ۱۳۸۷: ۹۷). پایگاه سنتی حکومتی که توسط زیدیان در یمن برپا شد، صعده بود. با این حال در جریان پیروزی‌ها و شکست‌هایی که به زیدیان یمن تحمیل می‌شد، گاه این حکومت مناطق دیگر نظیر عدن، صنعا، ظفار، تعز و دیگر مناطق عمده را هم در اختیار می‌گرفت و گاه تا صعده در شمال یمن عقب می‌نشست (قرچانلو، ۱۳۸۰: ج ۱، ۲۲۱). به‌طور کلی می‌توان گفت در طول فراز و فرودهای دوران حکومت زیدیان در یمن، ائمه زیدیه دست کم بخش‌های شمالی یمن را در اختیار داشتند.

- **قیام علیه صلیحیان اسماعیلی و تشکیل دولت دوم زیدی:** پس از نود سال سرانجام به سال ۵۳۲ ق در حالی که اسماعیلیان صلیحی در موضع ضعف قرار داشتند، یکی از نوادگان الهادی (بنیان‌گذار زیدیان یمن) به نام احمد بن سلیمان با لقب المتوکل علی الله نهضت زیدیان را تجدید کرد و بر مناطقی از شمال یمن دست‌یافت و خود را امام جدید زیدیان خواند. وی که عالمی برجسته و متکلمی توانا بود، اعتقادات اصیل زیدی را دیگر بار احیا نمود. پس از درگذشت متوکل در سال ۵۶۶ ق عبدالله بن حمزه با لقب المنصور بالله یکی دیگر از بازماندگان قاسم رسی، امامت زیدیان را به عهده گرفت. (چلونگر و شاهمرادی، ۱۳۹۵: ۳۰۵). منصور بالله عبد الله بن حمزه که او نیز از نسل قاسم رسی بود، راه او را با قوت بیشتری ادامه داد و اقتدار زیدیه را برای بار دیگر به آنان بازگرداند (شامی، ۱۳۶۷: ۲۳۶). عبدالله از برجسته‌ترین عالمان و اندیشمندان زیدیه بود، با تألیف آثار علمی فراوان موقعیت اعتقادی و سیاسی زیدیان را استوار ساخت (چلونگر و شاهمرادی، ۱۳۹۵: ۳۰۵). وی در سال ۵۹۷ از دنیا رفت، ولی امامان زیدیه که اغلب از نوادگان قاسم رسی و از سادات حسنی بودند، یکی پس از دیگری و - بعضاً - با نزاع‌های پی‌درپی بر سر تصاحب منصب امامت، به مقام امامت می‌رسیدند متوکل علی الله یحیی شرف الدین از نسل امام زیدیه ابن مرتضی، از آخرین امامان زیدیه در دوره دوم حکومت آنان بر یمن بود. پس از وفاتش در سال ۹۳۷ هجری و روی کار آمدن فرزندش مطهر و چند امام دیگر، ترکان عثمانی به تدریج با تسلط بر یمن عرصه را بر امامان زیدیه تنگ کردند و پس از فراز

و نشیب‌هایی در اواخر قرن دهم هجری، یک‌بار دیگر عرصه سیاسی یمن از حکومت امامان زیدیه خالی ماند (شامی، ۱۳۶۷: ۲۳۶).

- قیام علیه جماهیر عثمانی و تشکیل دولت سوم زیدی: سپاه عثمانی در سال ۹۴۵ یمن را تصرف و سلطه زیدیان را بر آن دیار به شدت تضعیف کرد. یمن پس از این که یکی از ایالات امپراتوری عثمانی شد. کوشش‌های سلطان سلیمان عثمانی (حک ۹۲۶ - ۹۷۴ ق) به منظور تحکیم نظارت عثمانی بر سرزمین یمن که تقسیم این منطقه به دو ولایت انجامید، در واقع موجب تقسیم نیروها و تضاد قدرت در میان آنان شد و این خود توان عثمانی‌ها را در مقاومت تضعیف کرد، از این رو پیروان زیدیه توانستند بخش وسیعی از سرزمین‌های داخلی را به تصرف درآورند. سلطان سلیم دوم (حک ۹۷۴ - ۹۸۲ ق) دو ولایت یمن را تحت فرماندهی واحد قرارداد و کوشید پیروان زیدیه را تار و مار کند، اما زیدیان مواضع خود را در کوهستان‌ها همچنان حفظ کردند. در واقع دوره سلطه عثمانی‌ها همواره با درگیری‌هایی روبه‌رو بود، زیرا بازماندگان زیدی با پناه گرفتن در ارتفاعات و مناطق صعب‌العبور در کار عثمانی‌ها اختلال می‌کردند و همواره در صدد بازیابی اقتدار خود بودند (چلونگر و شاهمرادی، ۱۳۹۵: ۳۰۶). پس از یک دوره اشغال یمن به وسیله حکومت عثمانی و عدم امکان تحرک امامان زیدیه در سال ۹۷۷ ق، امام منصور بالله قاسم بن محمد بن علی از نوادگان هادی یحیی بن حسین، امامت زیدیه را به دست گرفت و با عثمانی‌ها وارد مبارزه جدی شد و این آغازی بود برای رهایی یمن و زیدیه از سیطره حکومت عثمانی‌ها (فرمانیان، ۱۳۸۷: ۹۹). پس از وفات منصور بالله قاسم بن محمد در سال ۹۹۹ دو فرزند او مؤید بالله محمد (متوفی ۱۶۲۰ م / ۱۰۲۹ ق) و متوکل علی الله اسماعیل (متوفی ۱۰۵۴) به ترتیب به مقام امامت رسیدند و هر دو از امامان برجسته و مهم زیدیه به شمار می‌آیند. پس از درگذشت اسماعیل بن قاسم در ۱۰۸۷ ق اقتدار زیدیان دیگر بار روبه ضعف نهاد و شماری از افراد ضعیف زمام امور را به دست گرفتند (چلونگر و شاهمرادی، ۱۳۹۵: ۳۰۷). از آن پس با روی کار آمدن مجموعه‌ای از امامان که اغلب از نسل منصور بالله قاسم بن محمد بودند، به تدریج حکومت امامان زیدیه رو به ضعف و انحطاط گذاشت و در بسیاری از مقاطع با درگیری‌های داخلی و نزاع مدعیان امامت همراه بود. این انحطاط و اختلاف سرانجام به بازگشت مجدد عثمانی‌ها در اواسط قرن سیزدهم شمسی و اشغال مجدد یمن انجامید (فرمانیان، ۱۳۸۷: ۱۰۰). سده دوازدهم و سیزدهم برای یمن دوره‌ای پرآشوب است. در این دوره اختلافات

میان طوایف زیدی و امامانی که هرکدام خود را بر حق می‌دانستند، به اندازه‌ای رسیده بود که نقل شده «در هر آبادی خلیفه‌ای وجود داشت» (سلیمان محمود، ۱۹۶۹ م: ۲۸۲). چونان که شرف‌الدین می‌گوید: «قبایل یمن از وضعی بیشتر امامان آل قاسم بدان گرفتار شده بودند و بر سر حکومت و رسیدن به کرسی امامت به جنگ‌های خونین ضد همدیگر دست می‌زدند، به ستوه آمدند» (چلونگر و شاهمرادی، ۱۳۹۵: ۳۰۷). در سال ۱۲۶۹ ق پس از وفات محمد بن عبد الله وزیر، منصور بالله محمد بن یحیی حمید الدین به‌عنوان امام زیدیه خود را مطرح کرد و این آغازی بود بر سلسله‌ای از آخرین امامان زیدیه از خانواده حمید الدین که آن‌ها نیز از نسل منصور بالله قاسم بن محمد بن علی بودند. وقتی محمد بن یحیی حمید الدین در سال ۱۲۸۳ هجری وفات یافت فرزندش متوکل علی الله یحیی به مقام امامت رسید و راه او را در مبارزه با ترکان عثمانی ادامه داد و در عصر او برای بار دوم یمن از تحت سلطه عثمانی‌ها خارج شد و به استقلال رسید.

در این دوره و در فاصله جنگ جهانی اول و دوم یمن نیز دستخوش تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری شد و این تحولات به انقلابی داخلی علیه حکومت امامت زیدیه در سال ۱۹۴۸ م/ ۱۳۶۷ ق و ترور امام یحیی انجامید. ولی انقلابیون بی‌درنگ در تسلط بر اوضاع یمن شکست خوردند و فرزند امام یحیی، ناصر لدین الله احمد به منصب امامت رسید. تحولات سریع جهانی و منطقه‌ای همچنان ادامه داشت و حکومت امامان زیدیه که شکلی موروثی و سلطنتی به خود گرفته بود، به تدریج توان مقابله خود را در برابر موج جدید جمهوری خواهی و تجددطلبی از دست داد و در سال ۱۳۸۳ ق وقتی امام احمد حمید الدین از دنیا رفت و فرزندش محمد بدر به‌عنوان جانشین او معرفی شد، در کودتایی نظامی که از برخی پشتوانه‌های خارجی نیز بهره می‌برد، حکومت امامان زیدیه سقوط کرد و از آن‌پس تاکنون زیدیه از قدرت سیاسی و به تبع آن از امامت مورد تأکید در مذهب خود، فاصله گرفت (شامی، ۱۳۶۷: ۲۳۶، چلونگر و شاهمرادی، ۱۳۹۵: ۳۰۸). سرانجام حکومت هزار و صد ساله زیدیه در مقابل موج گسترده مخالفین خود که با عنوان جمهوری خواهان و تجدد طلبان از آنان یاد می‌شد تاب تحمل نیاورد و هم‌زمان با جانشینی امام بدر فرزند احمد بن یحیی، آخرین حکومت زیدیه با کودتای عبدالله سلال و با پشتیبانی دولت جمال عبدالناصر در سال ۱۹۶۱ م/ ۱۳۸۲ ق از میان رفت (شامی، ۱۳۶۷: ۲۳۳).

- قیام علیه علی عبدالله صالح و تشکیل دولت انصارالله: با آغاز دهه ۱۹۹۰ م، نهضت بیداری اسلامی شیعیان یمن شکل جدی تری به خود گرفت. رهبری این نهضت را «سید حسین حوثی» بر عهده داشت، او از برجسته ترین رهبران شیعیان زیدی یمن و مؤسس جنبش حوثی بود. در این مقطع بود که جمعیت «شباب المومن» و پایه فعالیت های فرهنگی توسط شهید حسین حوثی در شمال یمن شکل گرفت. اما پس از سال ۲۰۰۱ و با حضور آمریکا در منطقه، انصارالله وارد فاز سیاسی و انقلابی شد. یوم الصرخه، نمادی از حرکت ضد استکباری علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی است که در شعارهای آن ها تجلی یافته است (موسوی نژاد، ۱۳۹۴: ۲۴۴-۲۴۱)

درباره پیشینه و علل شکل گیری جنبش انصارالله گفتنی است که؛ حضور آمریکا در منطقه و ضعف های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دولت یمن، زمینه را برای نهضت انصارالله فراهم نمود. جنبش اسلامی در یمن به صورت علنی از سال ۲۰۰۳ م و با شعارهای برائت از آل سعود، آمریکا و رژیم صهیونیستی شکل گرفت. رهبری جنبش مقاومت یمن و گروه انصارالله در کنار ندای مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل و بازگشت به اسلام، به تبیین این رویکرد در بین مردم و طلاب دینی پرداخت. سید حسین توانسته بود از تعداد اندک یاران خود یک امت بسازد که از ویژگی آگاهی و بیداری برخوردار بودند (شمس الدین، ۱۳۹۴: ۸۴-۸۳) در تقابل با اقدامات سید حسین، دولت مرکزی نیز ۶ جنگ خونین و نابرابر (از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ م) را بر آن ها تحمیل کرد و سید حسین الحوثی در همان جنگ اول در سال ۲۰۰۴ م پس از مقاومت جانانه به شهادت رسید (موسوی نژاد، ۱۳۹۴: ۲۴۵-۲۴۴).

با شهادت سید حسین، برادرش سید عبدالملک حوثی رهبری جنبش را بر عهده گرفت. او پس از سال ها تلاش و مبارزه با دولت مرکزی، حوزه نفوذ خود را از صعده به تمام یمن گسترش داد که با استقبال مردم یمن نیز مواجه شد. وی توانست مجدداً به بازسازی روحیه مجاهدان و ایجاد روحیه امید پرداخته و مردم را از نو متحد سازد. در نهایت، با صبر و استقامت آن ها در برابر ۶ جنگ تحمیلی دولت و قدرتمند شدن مقاومت و سیستم دفاعی انصارالله و گسترش حوزه نفوذ آن در مناطق مختلف یمن و پیروزی آن ها در نبردها، دولت از ادامه مقابله با آن ها ناتوان گشت (قلیان و قاسمی، ۱۳۹۴: ۹۸-۹۹). در این دوره انصارالله به تدریج وارد عرصه سیاست شد و با همراهی مردم نقش اساسی در پیروزی انقلاب سال ۲۰۱۱ م داشتند.

باورهای کلامی و اعتقادی زیدیان یمن

مهم‌ترین ویژگی امام از نظر زیدیان یمن، قیام مسلحانه و علنی علیه ستمگران است (شهرستانی، ۱۳۶۴: ج ۱، ۱۵۵). به اعتقاد زیدیه تنها امامت سه امام یعنی امامان علی، حسن و حسین علیهم السلام از سوی پیامبر (ص) تعیین و ابلاغ شده بود و بعد از ایشان امامت از آن فردی از فرزندان حضرت فاطمه (س) است که به جهاد علنی و قیام علیه ستمگران بپردازد. براساس این عقیده، امامت سایر امامان شیعه که به قیام علنی نپرداختند، مورد قبول زیدیان نیست و در عوض افرادی از نسل حضرت فاطمه (س) که قیام کردند، امامان زیدی به شمار می‌روند مانند زید بن علی، یحیی بن زید، محمد بن عبدالله بن حسن (نفس زکیه) و ابراهیم بن عبدالله (بغدادی، بی تا: ۳۲-۳۵). به اعتقاد آنان پیامبر اکرم (ص) علی را آن‌گونه که شیعه معتقد است - با نص صریح - تعیین نکرد، بلکه با اوصافی او را معین نمود و همین اوصاف شناخته شده از علی (ع) او را تنها فرد مورد نظر برای امامت پس از پیامبر (ص) نموده، چون این صفات در هیچ‌کس آن‌گونه که در مورد علی، صادق است جمع نشده است (ترمانینی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۵۳). از دیگر شرایط امام این است که عالم، زاهد، شجاع و سخی باشد. در نگاه زیدیه، عصمت شرط امامت نیست. آن‌ها به اصل مهدویت معتقدند اما انطباق آن در امام دوازدهم شیعیان را نمی‌پذیرند (سلطانی، ۱۳۹۰: ۲۹۲). از قدیمی‌ترین کتاب‌های زیدیه در فقه، کتاب مسند زید بن علی است که به آن مجموع الفقهی و الحدیثی یا مجموع الفقهی الکبیر نیز گفته می‌شود. بیان «حی علی خیر العمل» در اذان، جواز مسح علی الخفین، قائل نبودن به متعه و جواز خوردن ذبح اهل کتاب از معتقدات فقهی زیدیه است. آنان امر به معروف و نهی از منکر را واجب می‌دانند. ائمه زیدیه در راستای احیای این اصل علیه دستگاه ظلم قیام کرده و کشته می‌شدند (مشکور، ۱۳۷۵: ۸۰).

بیداری اسلامی در اندیشه رهبران الحوثی یمن

بیداری اسلامی یمن در دوره معاصر کنونی، علیه دیکتاتوری علی عبدالله صالح که در روز ۲۷ ژانویه ۲۰۱۱ م آغاز شد و مقاومت مردمی علیه جنگ عربستان متأثر از انقلاب اسلامی است. در طول تاریخ، یمن به عنوان یک دولت ورشکسته، هیچ‌گاه روی آرامش به خود ندید و با ورود

به فضای تحولات جدید نیز این روند ادامه پیدا کرد تا جایی که مردم خواهان تغییر نظام شدند (کاردان، ۱۳۹۳: ۱۵۶). مذهب زیدی، یک شاخه از شیعه است. این شیعیان در سال ۱۹۹۲ م، جنبش انصار الله را به وجود آوردند. این گروه در سال ۲۰۰۴ که حسین الحوثی مؤسس آن به دست نیروهای یمنی کشته شد، نام خود را به جنبش حوثی تغییر داد. درگیری میان حوثی‌ها و دولت علی عبدالله صالح برخلاف دیگر درگیری‌ها در این کشور، یک درگیری طایفه‌ای و قبیله‌ای نبود، بلکه علل دیگری داشت که می‌توان به عدم رضایت محلی از سیاست‌های داخلی و خارجی اشاره کرد. آن‌ها همچنین معتقد بودند که دولت یمن متعمدانه با آن‌ها بدرقتاری می‌کند (Salmoni, 2010). ریشه اصلی اختلاف‌های زیدی‌ها و به ویژه جنبش الحوثی با حکومت مرکزی به انقلاب ۱۹۶۲ م میلادی برمی‌گردد که رژیم امامت منحل و رژیم جمهوری تشکیل شد (Genny, 2008: ۵). امام بدر، جانشین امام احمد، و طرفداران وی بارها در پی احیای رژیم امامت برآمده‌اند، اما در این مسیر کامیاب نبودند. آن‌ها همواره با سیاست دولت جمهوری مخالف بودند. از سوی دیگر سیاست‌های غلط علی عبدالله صالح نارضایتی زیدی‌ها را دامن زده بود و باعث شد مخالفت زیدی‌ها با حکومت مرکزی افزایش یابد.

شکل‌گیری گفتمان نهضت جنبش حوثی با غلبه صبغه اسلامی در آن: حوثی‌ها در سال ۲۰۱۱ م، جنبش جوانان یمن را تأیید کردند و اسم جدید انصار الله را برای خود انتخاب کردند. انتخاب نام انصارالله نشان‌دهنده تسلط گفتمان اسلامی در آن است. تاریخ شروع انقلاب در یمن را ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴ م می‌دانند. در آن روز صنعا، پایتخت یمن به دست حوثی‌ها افتاد. در نوزدهم ژوئیه سال ۲۰۱۵، حوثی‌ها به منزل هادی، رئیس جمهوری یمن حمله کرده و قصر ریاست جمهوری را که نخست وزیر در آن اقامت داشت، محاصره کردند. آن‌ها همچنین به اردوگاه‌های ارتش و مجمع ریاست جمهوری و اردوگاه‌های موشکی حمله کردند. حوثی‌ها به مقرر رسانه‌های گروهی حمله کردند تا از طریق آن بتوانند پیام‌های خود را به مردم برسانند. از آن زمان تحولات یمن وارد مرحله جدیدی شد. نهادینه شدن این جنبش و تبدیل شدن آن به یک نظام سیاسی، هنوز رخ نداده است (قاسمی، ۱۳۹۸: ۲۰۷-۲۰۸).

زیدیه چندین مرحله در بیداری اسلامی تلاش برای تأسیس حکومت داشته‌اند که در برخی مواقع به صورت مقطعی موفق شده‌اند (دغشی، ۱۳۹۴: ۱). در مرحله ششم جنبش حوثی توانست کنترل صنعا را به دست گیرد و منصور هادی به عربستان فرار کرد. در مرحله هفتم،

عربستان در ۲۶ مارس ۲۰۱۵ م با تشکیل ائتلافی به یمن حمله کرد تا بتواند جنبش حوثی‌ها را از پای درآورد، اما این هدف تاکنون محقق نشده است.

عوامل مؤثر بر موفقیت انصارالله در مقاومت و تداوم بیداری اسلامی

ملت یمن در بیداری و مقاومت نقش خوبی داشتند. از گروه‌های مهم مقاومت که در تحولات سیاسی یمن بیشترین محرومیت و مبارزات به‌منظور احقاق حق، علیه حکومت‌های دست‌نشانده در یمن داشته، جریان حوثی‌ها (انصارالله) است. زیدی‌های یمن در قرن سوم هجری در گستره جغرافیای سیاسی جهان اسلام پدیدار شدند و این گروه بدون حمایت و دخالت بیگانگان و دول خارجی به فعالیت خود ادامه داده و تاکنون استمرار داشته که عوامل موفقیت آن به این شرح است:

- مشی مبارزاتی انصارالله مبتنی بر مقاومت محوری مسالمت‌آمیز است و خشونت محور نیست (کریمی پور، ۱۴۰۰: ۱۲۹). گفتمان مقاومت همواره با رد هرگونه وابستگی به بیگانگان بر استقلال‌طلبی تأکید داشته است. استکبار و استبداد ستیزی: شاید بتوان فلسفه وجودی گفتمان مقاومت را مقابله با گفتمان سلطه تعریف کرد. از دیگر ویژگی‌های گفتمان مقاومت تأکید بر آموزه‌های اسلامی است (موسوی، ۱۳۹۹: ۲۴۳). مردم‌سالاری اسلامی «الگوی انقلاب اسلامی»، همراهی اهل‌بیت در مقاومت و جنگ‌ها و همسویی با اسلام از زمان ظهور بوده است.

نتیجه

مقاله در پی پاسخ به این مسئله بود که بیداری اسلامی یمن دارای چه سوابق تاریخی و تجربه قیام و مبارزاتی بوده است. سؤال اصلی مقاله این است که؛ مصادیق تاریخی بیداری و مقاومت ملت یمن کدام‌اند؟ پس از بررسی در منابع معتبر تاریخی و تبیین داده‌های علمی و شواهد حاکی از آن است که؛ ملت یمن در سرعت پذیرش اسلام پیش‌تاز بوده‌اند. در نتیجه پذیرش اسلام از سوی یمن در بیداری و مقاومت ملت یمن نقش داشته که مهم‌ترین مصادیق شناسایی شده عبارت‌اند از: دفع فتنه علیه پیامبر، شرکت در جنگ‌های مختلف در جبهه اسلام، اعلام مخالفت با سقیفه بنی ساعده، حضور اشعریان در جغرافیای اسلام و توسعه فرهنگ و فقه شیعی از جمله مدینه، قم، گرایش شیعیان زیدیه به تشیع دوازده‌امامی، دفاع از حریم ولایت، دفاع از امام حسن و امام

حسین، حضور در قیام توابین، حضور در قیام‌های متعدد شیعی، عدم پذیرش خلافت عباسی، قیام یحیی بن حسین و تشکیل دولت زیدی در سال ۲۸۸ ق، قیام صلیحیان اسماعیلی و تشکیل دولت دوم زیدی، قیام علیه جماهیر عثمانی و تشکیل دولت سوم زیدی.

امروزه نیز قیام علیه علی عبدالله صالح و تشکیل دولت انصارالله یمن به رهبری سید عبدالملک الحوثی که در منظومه فکری و فقهی زیدیه قرار دارد. یمن به علت دلایلی که وصف شد، مستعد ظهور زیدیه‌ای بود که خود مدعی رستاخیز و بیداری علیه وضعیت آن روز جهان اسلام بوده است.

به عبارتی پازل فراگیری تفکر انقلاب‌های زیدی با قیام یحیی بن حسین در یمن تکمیل گردید و اگر این اتفاق در اواخر سده سوم در یمن روی نمی‌داد، جای ابهام را در تاریخ اسلام می‌نهاد که چرا با این همه شرایط مستعد، این اتفاق نیفتاده است. کوفه، خراسان، مدینه، مکه، طبرستان، مغرب و اینک یمن اما همراه با تداوم و حفظ نهضت در طول دهه‌ها و سده‌های مختلف تاریخ یمن، به عبارتی هر سلطه‌ای که در مقابل حرکت زیدی در یمن به آن برخورد کرد بعد از مدتی محور گردید. اقداماتی که قرامطه اسماعیلی مذهب با زیدیه در یمن نمودند یکی از افراطی‌ترین برخوردهای مذهبی بود که اگر در خصوص هر پدیده و جریان مذهبی دیگری اتفاق می‌داد به جرئت می‌توان گفت در تاریخ آن کشور محور می‌گردید اما زیدیه در یمن همواره در تکاپو بود، از جنس سیاسی گرفته تا فضا سازی اجتماعی.

تفکرات آن‌ها ضد ظلم و ستم، حمایت از مظلوم که برگرفته از تفکرات و عقاید شیعه و امامان شیعه بود، شکل گرفت. حضور و رشد شخصیت‌هایی چون قاسم رسی که از پایه‌گذاران و متفکران اصلی مکتب زیدیه در یمن بود در به قدرت رسیدن زیدیان نقش بسزایی داشت. او در کنار قیام مسلحانه تصمیم به تربیت و پرورش شخصیت‌هایی چون خود کرد تا اندیشه و افکاری که نفی ظلم می‌کردند در اقصی نقاط منطقه و در بین حکومت مرکزی آن زمان ترویج پیدا کنند، تا جایی که ریشه‌دار شدن آن تفکرات در باور نسل‌های بعدی، حتی گاه با وجود خلأهای زمانی چند دهه‌ای در جاری بودن حکومت زیدی در یمن باعث این نشد که جریان زیدیه در یمن به فراموشی سپرده شود و تحولات اخیر برشی به جهت بازگشت به آرمان‌های اصیل مکتب زیدی در یمن هست.

ریشه‌های تاریخی بیداری و مقاومت ملت یمن در طول تاریخ علاوه بر استمرار بیداری

اسلامی، موجب عمق بخششی به مقاومت یمن و تقویت انصارالله شده است. از مهم ترین مصادیق کنونی آن که ریشه در تاریخ یمن دارد هویت طلبی، تعالی خواهی، ظلم ستیزی، نفی سبیل، عدالت طلبی، دین خواهی، قانون گرایی، استکبار ستیزی، مبارزه با استعمار است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی الحدید، عز الدین ابو حامد هبه الله بن محمد (۱۳۳۷). شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳. ابن سعد، محمد (۱۴۱۰ ق). طبقات الکبری، تصحیح محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴. ابن هشام عبدالملک (۱۳۷۵ ق). السیره النبویه، تحقیق مصطفی سقا و دیگران، مصر: مطبعه مصطفی البابی الحلبی.
۵. احمد ابن واضح یعقوبی (۱۳۶۲). تاریخ یعقوبی، محمد ابراهیم آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. احمد الحاکمی، ماجد علی (۱۴۳۲ ق). الزیدیه اصوله و تاریخهم و عقائدهم، عربستان سعودی: جامعه الملک عبد العزیز.
۷. بغدادی، ابومنصور، الفرق بین الفرق (بی تا). تحقیق: محمد محیی الدین عبد الحمید، قاهره: مکتبه محمد صبیح و اولاده.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۳۹۷ ق). انساب الاشراف، تحقیق: محمد باقر محمودی، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۹. ترمانینی، عبد السلام (۱۳۸۷). دایره المعارف تاریخی رویدادهای تاریخ اسلام، جلد یکم و دوم، جمعی از پژوهشگران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. چلونگر، محمد علی، شاهمرادی، سید مسعود (۱۳۹۵). دولت های شیعی در تاریخ، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۱. خضری، سید احمد رضا (۱۳۹۳)، تاریخ تشیع، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.
۱۲. خضیری احمد، حسن (۱۳۸۰). دولت زیدیه در یمن (۲۸۰ - ۲۹۸ ق. / ۸۹۳ - ۹۱۱ م.)، احمد باد کوبه هزاوه، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۳. دغشی، محمد احمد (۱۳۹۴). بازشناسی حوثی های یمن، forum.qawem.org
۱۴. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۷). فرق و مذاهب کلامی، ج اول، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

۱۵. زینی وند و دیگران (۱۳۹۵). بیداری اسلامی در شعر معاصر یمن (مطالعه مورد پژوهش: شعر عبدالله بردونی)، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۵، شماره ۹ - شماره پیاپی ۹، صفحه ۱۲۵-۱۴۸.
۱۶. سلطانی، مصطفی (۱۳۹۰). تاریخ و عقاید زیدیه، قم: انتشارات دانشگاه ادیان.
۱۷. سلیمان محمود، حسن (۱۹۶۹ م). تاریخ الیمن السیاسی فی العصر الاسلامی، بغداد: بی نا،
۱۸. شامی، احمد بن محمد (۱۹۹۴ م). آرا و مواقف، بخش بیان شرعی لعلمای الیمن، تهیه و تنظیم محمد یحیی سالم عزان، امان، مطابع شرکه الموارد الصناعیه الاردنیه.
۱۹. شرف الدین، احمد حسین، تاریخ الیمن الثقافی، بی نا، قاهره، ۱۳۸۷ ق.
۲۰. شمس الدین، عبدالرحمان بن محمد بن علی (مفتی اعظم انصارالله) (۱۳۹۴). مصاحبه، جنبش انصارالله یمن، قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
۲۱. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۴). الملل و النحل، قم: انتشارات شریف رضی.
۲۲. شیخ حسینی، مختار (۱۳۹۴). اندیشه سیاسی انصارالله در پرتو ملازم شهید حسین الحوثی، گزارش راهبردی جنبش انصارالله یمن، قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
۲۳. شیخ حسینی، مختار (۱۳۹۴). جنبش انصارالله و آینده قدرت در یمن، گزارش راهبردی جنبش انصارالله یمن، قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
۲۴. طباطبائی فر، سید محمد (۱۳۹۴). حوثیان یمن پیشینه و رویکردهای کلامی و سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۵. طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۳). دولت عباسیان، ترجمه: حجت الله جودکی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۶. فرمانیان، مهدی (۱۳۸۷). آشنایی با فرق تشیع، قم: انتشارات حوزه علمیه.
۲۷. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۸). تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی در یمن بر اساس نظریه پخش، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ۸، شماره ۳۱، زمستان، صص ۱۹۷-۲۱۸.
۲۸. قرچانلو، حسین (۱۳۸۰). جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
۲۹. قلیان، محسن و بهزاد قاسمی (۱۳۹۹). شاخص‌های مقاومت اسلامی یمن در منظومه

- فکری سیدعبدالملک الحوثی و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک محور مقاومت، معرفت سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۲۴، پاییز و زمستان.
۳۰. کاردان، عباس (۱۳۹۱). قیام انقلابی یمن، زمینه‌ها و موانع داخلی و خارجی، عملیات روانی، سال هشتم، شماره ۲۹، تابستان.
۳۱. کریمی پور، داود (۱۴۰۰). بازتاب سیاست‌های ایران و روسیه بر پرستیژ منطقه‌ای آن‌ها در تحولات مقاومت یمن و سوریه، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۲، تابستان، صفحه ۱۰۱-۱۲۶.
۳۲. کوشکی، محمدصادق و روح الله نجابت (۱۳۹۶). تأثیرپذیری مفهومی و روشی حرکت انصارالله یمن از انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۲۲.
۳۳. کوفی، ابن اعثم محمد بن علی (۱۴۰۶ ق). الفتوح، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳۴. لین پول، استانلی و دیگران (۱۳۶۳). تاریخ دولت‌های اسلامی و خاندان‌های حکومتگر، ترجمه صادق سجادی، تهران: نشر تاریخ ایران.
۳۵. مازندرانی، ابن شهر آشوب محمد بن علی (۱۴۰۵ ق). مناقب آل ابی طالب، بیروت: دارالاضواء.
۳۶. مسعودی، علی بن حسین بن علی (۱۳۷۴). مروج الذهب و معادن الجواهر، ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۷. مشکور، محمد جواد (۱۳۷۵). فرهنگ فرق اسلامی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۳۸. مظفر، علامه محمد حسین (۱۳۹۱). ترجمه و نگارش: دکتر سید محمد باقر حجتی، تاریخ تشیع، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۹. منتظر القائم، اصغر (۱۳۸۰). نقش قبائل یمنی در حمایت از اهل بیت، قم: بوستان کتاب.
۴۰. موسوی نژاد، سید علی، یزدانی، علی (۱۳۸۹). پیدایش و تطور دولت زیدیه یمن، فصلنامه تاریخ اسلامش ۴۳ و ۴۴.
۴۱. موسوی نژاد، سیدعلی (۱۳۹۴). نشست بررسی تحولات سیاسی یمن، گزارش راهبردی، شماره ۷، قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
۴۲. موسوی، سید محمد (۱۳۹۹). تحلیل جامعه‌شناختی بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش انصار الله یمن و آینده پیش روی آن، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۹،

شماره ۲، پاییز و زمستان، صفحات ۲۱۹-۲۴۷.

۴۳. واسعی یمانئ، عبدالواسع بن یحیی (۱۳۴۶ ق). تاریخ الیمن فرجه الهموم و الحزن فی حوادث و تاریخ الیمن، قاهره: المطبعة السلفیه.

44. Barak A. Salmoni, Bryce Loidolt, Madeleine Wells. Regime and Periphery in Northern Yemen: The Huthi Phenomenon. See; www. Rand Corporation, 2010.

45. Genny Hill. (2008). Yemen: Fear of Failure, Chatam House: Middle East Program, November 2008, Page 5.